

با عرض سلام خدمت کلیه سروران گرامی

فرزندان من، بنده در این چند دقیقه ایی که در خدمت شما هستم، قصد دارم کمی از تجربیات بیست و چند ساله خود را در حوزه علم و دانش برای شما سخن بگویم.

شاید اکثر شما پیروی انقلاب اسلامی و فضای فشارهای تحریم‌های همه جانبه آن روزگار را به یاد نداشته باشید، روزهایی که شیشه‌های مربا و عسل به لیوان و استکان تبدیل می‌شد و بهترین تولید ملی در کشور دمپایی پلاستیکی بود! در آن روزها از هر ۱۰۰ نفر یک نفر باسواد بود و از هر ۱۰۰۰ نفر یک نفر دیپلم داشت و از هر ۱۰۰۰۰ نفر یک نفر به دانشگاه رفته بود.

همه متخصصان ما قبل از انقلاب اسلامی یا خارجی بودند و یا خارج از کشور تحصیل کرده بودند.

شاید تحصیل در خار از کشور به نوعی نشان دهنده شان اجتماعی و به قول امروزی‌ها کلاس کاری بود، اما واقعیت چیز دیگری بود؛ ایران وابسته به غرب، ایرانی مصرف کننده و ایرانی که روح خودکفایی و صاحب نظری در آن مرده بود، گویا ما فراموش کرده بودیم این سینا ها داریم! خوارزمی‌ها داریم! ملاصدرا داریم، گویا امثال مشاهیر تاریخ کهن سرزمین‌مان را فراموش کرده بودیم.

حال همه این‌ها را کنار بلای جنگ تحمیلی هم که قرار دهید متوجه می‌شویم که شرایط آن روزها در کشور ما بسیار سخت و بحرانی بود. در چنین روزهایی بنده به عنوان یک عضو کوچک جامعه ایرانی – اسلامی که پایبند انقلاب و ارزش‌های آن بود در دانشگاه شیراز تحصیل می‌کردم. در آن روزها در کشور ما حتی یک دوره کوچک دکتری تخصصی در علمی که حتی نیاز به امکانات آزمایشگاهی هم نداشتند، تدریس نمی‌شد. به نظر بنده آن روزها غربی‌ها با فروختن دانش عالی از کشورهای امثال ایران سوء استفاده می‌کردند.

آن روزها که روزهای جوانی ما بود و شور و حال جوانی را در سر داشتیم، ما این موضوع را درک کرده بودیم و حقیقتاً ما را آزار می‌داد. روزی با چند نفر از همکارانی که دغدغه‌هایشان مانند خودم بود، تصمیم گرفتیم تا به سهم خود و تا سرحد توان خود را در این راه پر خطر جهاد کنیم.

حدیث رسول ا... (ص) را به خاطر آوریم که هر کس در راه کسب علم جهاد کند و کشته شود، شهید است.

فرزندان من، سروران گرامی، آن روزها بنده و همکارانم سی و چند سال بیشتر نداشتیم و تصمیم گرفتیم که دکتری تخصصی شیمی را در کشور راه اندازی کنیم!

این حرف آن روزها درست مثل این است که امروز ادعا کنیم، می خواهیم به سرعت نور حرکت کنیم! یک امر محال و تنها چیزی که به ما امید می داد، توکل بر خدا و روحیه انقلابی ما بود که می توانیم؛ اینکه چه سختی هایی و چه مخالفت هایی در سر این راه بود، خود قصه ای است که بخواهم در مورد آن بگویم، به قول حضرت مولانا، می شود:

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق      تا بگویم شرح درد اشتیاق

به هر حال پس از تلاش فراوان بنده افتخار دارم که با عنایت باری تعالی و حضرت ولی عصر (عج) و با همت و تلاش بنده و همکارانم بالاخره در سال ۶۴ پس از دو سال تلاش جهادگرانه اولین دوره دکتری تخصصی در کشور در دانشگاه شیراز تاسیس شد و خداوند را شاکرم که هم اکنون بعد از سی سال شاهد فراگیر شدن این دوره ها در همه رشته ها هستیم و سالانه چندین هزار نفر به دریافت درجه دکتری نائل می شوند.

آری؛ مملکتی که دکترهایش را از خارج وارد می کرد، هم اکنون سالانه چند ده هزار، دکتر تربیت و به جامعه علمی کشور تحویل می دهد و این چیزی نیست جز خواستن با توکل، این چیزی نیست، جز عزم و اراده آهنین، این چیزی نیست جز خواست خدا و همین است که بنده این شعار را سر لوحه زندگی خویش قرار داده ام که خوردن نان خشک در مملکت خودمان بهتر از هزاران دلاری است که بیگانگان به ما تحت عنوان بورس تحصیلی بدهند. من به همه شاگردان و دانشجویان و همکارانم همواره این مهم را گوشزد می کنم و وقتی نتیجه این نصایح را می بینم، شادمان هستم و خداوند سبحان را شاکر!

در این جا بد نیست کمی هم در رابطه با تجربیات خود در خصوص راه اندازی بنیاد نخبگان فارس برای شما بگویم. پنج سال پیش که دوست عزیزم جناب آقای دکتر واعظزاده مسئولیت بنیاد ملی نخبگان کشور را بر عهده داشتند، پس از سفر تاریخی مقام معظم رهبری به استان، معظم له دستور فرمودند که اولین بنیاد نخبگان استانی در فارس تاسیس گردد و پیرو آن با اعتمادی که جناب آقای دکتر واعظزاده به حقیر داشتند، بنده خدمت خود را در این حوزه آغاز کردم.

در اولین روزها که فضای فیزیکی بنیاد اتاق کار خودم در دانشکده علوم بود معاون خودم در بنیاد را نیز انتخاب کردم، در آن زمان بنده و همکار عزیزم، جناب آقای دکتر همتی‌نژاد، معاون محترم بنیاد که به حق از مفاخر و دانشمندان بزرگ کشور هستند، در یک اتاق ۶ متری به خدمت‌رسانی، مشغول بودیم، عزیزان من بد نیست بدانید که ایشان از همان مفاخری است که ثمره درختان همان دوره تخصصی دکتری در دانشگاه شیراز است و به حمدا... در دوران جوانی به درجه استاد تمامی نائل شده‌اند، ایشان بیش از ۱۵۰ مقاله ISI به چاپ رسانیده‌اند و در سال ۲۰۱۱ عنوان دانشمند برتر جهان در حوزه کمومتری‌کس را به خود اختصاص داده‌اند.

مردی از جنس شما و استادی در قد و قواره همان غربی‌ها!! به هر حال آن روزها نیز علی‌رغم همه سختی‌ها و مشکلات به پایان رسید و به حمد... پس از ۵ سال استان فارس، با داشتن بیش از ۱۲۰۰ نخبه، غنی‌ترین استان کشور شناخته شده است.

عزیزان من تجربیات حقیر در این سی سال و در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد که ما در هر کجا که ارائه کرده‌ایم، پیشرفت محقق شده است.

چه در راه‌اندازی دوره تخصصی دکتری باشد، چه علوم نانو فناوری و چه انرژی هسته ای ایران، مصداق پیشرفت است و ایران یعنی پیش‌رو!

آری این ذات آب و خاک است که با مفهوم اسلام و سرعت آن بیش از پیش پیش‌رو و توان آن نمایان تر شده است و شما با عنوان پیشگامان پیشرفت، از این لحظه رسالتی بزرگ بر دوش دارید، شما باید در پیشرفت هم سرآمد باشید!

عرایض را با نصیحتی از حضرت صادق (ع) به عنوان بصری به پایان می‌برم:

**عنوان بصری می گوید:** از امام صادق علیه السلام خواستم به من پند و اندرز بدهند؛ فرمود: تو را به انجام ۹ چیز سفارش می‌کنم، آن سفارش‌ها نه تنها برای شما بلکه به همه کسانی است که می‌خواهند در راه خداوند قدم بردارند و از خداوند می‌خواهم تو را نیز در انجام آنها یاری فرماید.

- سه تایی آنها در تهذیب اخلاق و تربیت نفس است.
- سه تایی دیگر در صبر و شکیبایی است.
- سه تایی هم در علم و دانش است.

به آنها مواظب باش هرگز آنها را سبک مشمار!

عنوان بصری می گوید:

خود را برای یاد گرفتن آنها آماده کردم.

آنگاه امام علیه السلام فرمود:

اما آن سه چیز که در ریاضت و تهذیب نفس است ، عبارتند از:

۱. بپرهیز! از خوردن چیزی که به آن میل نداری . زیرا باعث نادانی و کودنی می گردد.

۲. هرگز غذا نخور! مگر وقتی که گرسنه هستی.

۳. همواره غذای حلال بخور! و هنگام خوردن نام خدا را ببر! (بسم الله بگو)!

همواره فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در نظر داشته باش! که درباره مذمت پرخوری

فرمود: انسان هیچ ظرفی را پر نکرده که بدتر از شکم باشد.

چنانچه به میل غذا ناگزیری ، شکم را سه قسمت کن ! یک قسمت آن را به خوراک و یک قسمت

دیگرش را به نوشیدنی و سمت سومش را برای نفس کشیدن اختصاص بده!

اما آن سه چیز که در حلم و بردباری است ، عبارتند از:

۱. هرگاه کسی به تو گفت: اگر یک حرف دشنام و ناسزا بگویی در مقابل ده تا می شنوی، تو

در جواب بگو: اگر ده تا سخن زشت بگویی یک حرف از من نخواهی شنید.

۲. هرگاه کسی تو را فحش داد و بد گفت ، در پاسخ بگو: اگر آنچه را که گفتمی راست است از

خداوند می خواهم مرا ببخشد و از تقصیراتم بگذرد و اگر آنچه را که گفتمی دروغ است و ابداً در

من نیست از خداوند می خواهم تو را ببخشد.

۳. هر کس تو را وعده فحش و دشنام داد، تو به او وعده پند و اندرز و احترام بده!

و اما آن سه چیز که در علم و دانش است ، عبارتند از:

۱. آنچه را که نمی دانی از دانشمندان بپرس و بپرهیز از این که پرسش تو به قصد اذیت و یا

امتحان آنان باشد.

۲. در هیچ چیز تنها رأی و عقیده خود عمل نکن (با مشورت کارها را انجام بده ) و در تمام کارها

جانب احتیاط را رعایت کن!

۳. از فتوی دادن فرار کن همانندی که از شیر فرار می کنی و خودت را پلی برای سود و زیان مردم  
قرار نده!

امام صادق علیه السلام پس از بیان این پند و موعظه های حکمت آمیز، به عنوان بصری فرمود:  
حقاً تو را نصیحت کردم ، بلند شو برو! وقت عبادت من است ، وقتم را بیش تر از این نگیر! زیرا من بر  
نفس خود تنگ نظرم و حاضر نیستم وقت خود را تلف کرده و بیهوده بگذرانم و سلام و رحمت خداوند بر

کسی باد که از ارشاد و راهنمایی پیروی می کند. بحارالانوار جلد ۱، ص ۲۲۶

جان بی جمال جانان، میل سفر ندارد هر کس که این ندارد، حقا که آن ندارد

پیروز و پاینده باشید، والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.